

دین و مذهب در جمهوری آذربایجان

به کوشش رضا انصاری مهر

نگاه اجمالی به جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان که تقریباً در ۴۶۰ درجه طول جغرافیایی و ۳۹۰ درجه عرض جغرافیایی واقع شده است، کشوری نیمه کوهستانی است که بخش شرقی رشته کوه‌های قفقاز در مرزهای آن و روسیه و امتداد جنوب شرقی کوه‌های قفقاز کوچک نیز در سرحدات این کشور با ارمنستان قرار گرفته است.

طول مرزهای مشترک آذربایجان با روسیه در شمال ۲۸۴ کیلومتر، با گرجستان در شمال غربی ۳۲۲ کیلومتر، با ارمنستان در غرب ۵۶۶ کیلومتر و با ایران در جنوب ۴۳۲ کیلومتر است. جمهوری آذربایجان با مساحتی حدود ۳۳۴۰۰ مایل مربع یا ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع از کشور سریلانکا بزرگ‌تر و هم اندازه کشور پرتغال است. آذربایجان شامل جمهوری نخجوان هم می‌شود که مرز مشترک آن با ایران بالغ بر ۱۷۹ کیلومتر، با ارمنستان ۲۲۱ کیلومتر با ترکیه ۹ کیلومتر است.^۱

۱. جمعیت؛ ترکیب و پراکندگی

جمعیت جمهوری آذربایجان ۸۳۲۵۰۰۰ نفر است. گفته می‌شود جمعیت کنونی آن، ظرف مدت ۳۳ سال دو برابر خواهد شد. آذربایجانیها وسیع‌ترین گروه قومی را تشکیل می‌دهند. این گروه حدود ۸۷/۴٪ جمعیت آذربایجان را شامل می‌شود. به جز آن، اقوام دیگری از جمله؛ آوارها، تالیشها، تاتارها، یهودیها، گرجیها، کردها، روسها، اودینها و... در این جمهوری زندگی می‌کنند.

۲. شهرهای بزرگ

الف) باکو: این شهر پایتخت جمهوری آذربایجان است و در جنوب غربی شبه جزیره «آئشرون» قرار دارد. این شهر در قدیم به «بادکوبه» موسوم بوده و در حال حاضر به زبان ترکی به آن «باکی» گفته می‌شود.

- ب) گنجه: این شهر دومین شهر بزرگ و از مهم‌ترین مراکز صنعتی آذربایجان است.
- ج) نخجوان: این شهر مرکز خودمختار جمهوری نخجوان است و در شمال دریاچه سدراس، در نزدیکی مرز ایران واقع شده است. در منابع قدیمی از آن به «نشوی» و «نخجوان» نیز یاد شده است. این منطقه طبق برخی روایات نخستین استراحتگاه حضرت نوح(علیه‌السلام) پس از طوفان نوح بوده و بر طبق همین روایات محل وفات حضرت نوح(علیه‌السلام) نیز در این نواحی است. به همین دلیل، قلعه‌ای که در کنار شهر نخجوان قرار دارد، زیارتگاه مسلمانان و مسیحیان است.
- د) سومگائیت: این شهر هم صنعتی است و اهمیت بسیار دارد.^۲

۳. فرهنگ و آموزش

زبان رسمی مردم آذربایجان، یکی از شاخه‌های ترکی جنوب غربی است که مردمی که در جمهوریهای گرجستان، داغستان، ازبکستان، قزاقستان، اوکراین و همچنین ایران زندگی می‌کنند نیز به آن سخن می‌گویند. این زبان از زبان قبائل «اوگوز» (oguz) آسیای مرکزی در قرون هفتم تا یازدهم ریشه می‌گیرد. خط جمهوری آذربایجان چند بار عوض شده است: تا سال ۱۹۲۹ خط عربی، از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ خط لاتینی و از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲ خط کریلی بوده است. در طول زمان، این زبان در ساختار تلفظی، کلمات و گرامر دستخوش تغییراتی شد. پارلمان جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۲ استفاده از الفبای کریلیک را که از سال ۱۹۳۹ مورد استفاده بود کنار گذاشت و الفبای لاتین را انتخاب کرد. در حال حاضر همه رسانه‌های گروهی، روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌های منتشر شده جدید به خط لاتینی است.^۳

اولین مدارس در این سرزمین در قرن پنجم میلادی به وجود آمد. ولی قبل از آن مردم آذربایجان در راه علم و آموزش گام‌های زیادی پیش رفته بودند. بعد از فتح این کشور به دست اعراب در قرن هفتم، در مساجد، مدرسه‌هایی برای آموزش و گسترش اسلام تأسیس شد که در آن قواعد عربی و قرآن تدریس می‌شد. قبل از سال ۱۹۲۰ هم جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از مراکز مهم آموزش در میان مسلمانان امپراتوری روسیه بود. اولین مدارس برای دختران مسلمان این منطقه در باکو و گنجه به همت حاجی زین‌العابدین تقی‌زاده در اوایل قرن بیستم تأسیس گردید.

این نکته باید ذکر شود که در حکومت شورایی شوروی سیستم آموزشی بسیار گسترده‌ای ایجاد شد و سطح سوادآموزی از ۸/۱٪ در سال ۱۹۲۶، به بیش از ۹۹٪ در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت و در حال حاضر بی‌سوادی در این جمهوری ریشه‌کن شده است.

به موجب آمار سال ۱۹۹۱ در این جمهوری ۴۴۴۱ دبیرستان وجود دارد که ۱/۳۸۰/۰۰۰ دانش آموز در آن مشغول به تحصیل‌اند. به علاوه در ۸۰ آموزشگاه حرفه‌ای، بیش از ۷۰۰۰۰ دانشجو وجود دارد. همچنین بیش از ۱۱۰۰۰۰ دانشجو در ۱۷ دانشگاه آموزش عالی فعالیت دارند. مهم‌ترین دانشگاه، دانشگاه دولتی باکو است که در ۱۹۱۹ پایه‌گذاری شده است. این دانشگاه دارای ۱۶ دانشکده است.

در حال حاضر ۵۰۰۰ دانشجوی آذری در خارج از کشور تحصیل می‌کنند که بسیاری از آنان در ترکیه و ایران و بقیه در آلمان، آمریکا، مصر، سوریه و عربستان مشغول به تحصیل‌اند. جمهوری آذربایجان دارای مراکز مطالعاتی (علمی - پژوهشی) و مراکز فرهنگی بسیار است. در دهه ۱۸۳۰ اولین بار نشریات ادواری در آذربایجان چاپ شده و روزنامه نیمه رسمی «اخبار تفلیس» در سال ۱۸۳۲ در شهر تفلیس انتشار خود را آغاز کرد. انتشار روزنامه «اکنچی» در سال ۱۸۷۵ سرآغاز مطبوعات دمکراتیک در آذربایجان انجام شد. اکنون نیز روزنامه‌ها و مجلات بسیاری در آذربایجان وجود دارد. آذربایجانیها در بین اقوام مسلمانان شوروی بعد از تاتارها، بیشترین کتاب را منتشر نمودند. مؤسسات انتشاراتی بسیاری در این کشور وجود دارد که از آن میان، پانزده مؤسسه انتشاراتی دولتی است.

رادیو نیز اولین بار در سال ۱۹۲۶ در باکو راه‌اندازی شد. یک مرکز تلویزیونی هم در باکو به سال ۱۹۵۶ تأسیس گردید و اکنون دو شبکه دولتی و چهار شبکه غیردولتی (شخصی) در این کشور فعال است.^۴

جمهوری آذربایجان یک کشور کشاورزی و صنعتی توسعه‌یافته با توازنی میان تولید ناخالص کشاورزی و صنعت است که در مواقعی به سوی بخش صنعتی متمایل می‌گردد. تأکید بر صنایع سنگین به طور قابل توجهی دو صنعت نفت و گاز طبیعی را توسعه بخشیده است. اما در عین حال صنایع غذایی، برق و مهندسی نیز از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.^۵

۴. تاریخ کشور

سرزمین آذربایجان کنونی از عصر حجر مسکونی بوده است. از اواخر قرن هشتم قبل از میلاد، مادها و از اواسط قرن ششم قبل از میلاد هخامنشیان بر این منطقه حکومت می‌کردند. وقتی اسکندر در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد امپراتوری ایران را سرنگون کرد، یخی از حکمرانان خراجگزار او به نام اتوریات حکومت مستقلی در این منطقه تشکیل داد.^۶

ساسانیان در اوایل قرن سوم بعد از میلاد بر بخش عمده‌ای از این منطقه مسلط شدند و این محل تا حمله اعراب به ماورای قفقاز در اواسط قرن هفتم، بخشی از امپراتوری آنان بود. پس از آن، سپاه نیروهای اعراب هم لشکر ساسانی و هم نیروهای بیزانس را در سال

۶۴۲ میلادی شکست داد. لشکر مسلمانان به آذربایجان هجوم آورد و در مدت چند سال آن را اشغال کرد. دین اسلام در همین دوره به این سرزمین آمد.^۷

مغولها در اوایل قرن سیزدهم به این کشور هجوم آوردند. در سال ۱۳۸۶ تیمور، فرمانروای ماوراءالنهر، آذربایجان جنوبی را به تصرف درآورد و در شمال آذربایجان، قدرت به دست شروانشاهان «دربند» افتاد.

بعد از مرگ تیمور در سال ۱۴۰۵ شروانشاه ابراهیم برای مدت کوتاهی دو نیمه آذربایجان را با یکدیگر متحد کرد. در سال ۱۵۲۰ شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله صفوی، تبریز، مرکز آق قویونلی را به تصرف درآورد. با آنکه صفویان تبریز را مرکز حکومت آینده خویش قرار دادند، عثمانیها بارها به تبریز حمله کردند و در فاصله سالهای ۱۵۱۶ - ۱۶۳۰ این شهر را به تصرف درآوردند. اما شاه عباس موفق شد دوباره حاکمیت خود را بر منطقه برقرار کند.

ارتباطات تجاری میان روسیه و آذربایجان در اواخر قرن پانزدهم آغاز شده بود و باکو مرکزی مهم در مسیر راه ولگا به دریای خزر بود. در سالهای ۱۷۲۲ - ۱۷۲۳ سربازان روسی دربند و باکو را اشغال کردند. اما نادرشاه در سال ۱۷۳۵ آذربایجان را دوباره تحت حکومت ایرانیان قرار داد. بعد از مرگ او در سال ۱۷۴۷ قدرت به دست خان نشینهای محلی افتاد.

تا اوایل قرن نوزدهم، آذربایجان جزئی از حکومت قاجاریه بود و در پی ده سال جنگ میان ایران و روسیه به تصرف این کشور درآمد. در معاهده گلستان، ولایت باکو، شکی، شیروان، قرهباغ و گنجه به روسیه واگذار گردید. در سال ۱۸۲۸ پس از جنگی دوساله میان ایران و روسیه، نجفعلی نیز به موجب عهدنامه ترکمنچای، به روسیه ضمیمه شد.

از اوایل قرن بیستم، حضور کارگران و متخصصان روسی و اوکراینی در باکو سبب شد که این شهر به یکی از مراکز انقلابی روسیه تبدیل گردد. پس از وقوع انقلاب اکتبر در روسیه، حزب مساوات در ۲۸ ماه مه ۱۹۱۸ این کشور را مستقل اعلام نمود و رئیس جمهور آن محمدامین رسولزاده (۱۹۵۴ - ۱۸۸۴) شد. او در سال ۱۹۰۸ به تهران سفر کرده بود و در نهضت مشروطه ایران نقش مهمی ایفا کرده بود. وی بعدها هم به این خاطر به ترکیه تبعید شد.^۸

دولت مستقل آذربایجان تا سال ۱۹۲۰ دوام آورد و در این سال بلشویکها آن را به تصرف درآوردند. در آوریل همان سال، جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان تشکیل گردید. در دوران حاکمیت شوروی با اشتراکی کردن کشاورزی و توسعه صنایع پیشرفتهایی در امور آموزش و بهداشت حاصل گردید.

همزمان با اجرای سیاست گلاسنوست و پرستروئیکای گورباچف در شوروی، آذربایجان شاهد رشد گرایشهای استقلال طلبانه آرامنه قرهباغ بود. اختلافات ارمنیها و آذربایها که در دوران شوروی بر اثر سیاست اختناق و سرکوب مدتها در محاق مانده بود، با پیدایش اولین آزادیهای اجتماعی امکان بروز یافت و به شدت رو به گسترش نهاد.

طرح

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

۱۵۸

قابل ذکر است که در قفقاز دشمن اصلی اسلام روسها نبودند، بلکه ارامنه بودند. ارمینیا در زمان قبل از شوروی هم با تحرک و قدرت اقتصادی برتر خویش خطر آن داشتند که مسلمانها را به جماعتی محروم و عقب مانده بدل نمایند که از پی روسهای حاکم و ارمینیهای ثروتمند روان بود.^۹

ارامنه تنها دشمن ترکها نبودند، بلکه کار آنان از حد و مرزهای دشمنی ملی به دشمنی دینی تجاوز کرده بود. برای این ارامنه همیشه ترکان را «مسلمان» می نامیدند.^{۱۰}

در سال ۱۹۸۸ اولین منازعه میان آنان در گرفت و در پی آن هزاران نفر از آذربایجان از مناطق خود آواره شدند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ شورای عالی قره باغ (جعلی) با تصویب قانونی، خواستار جدایی از آذربایجان و الحاق به ارمنستان گردید. این امر در واقع از طرف شورای جعلی و تشکیل یافته از ۱۶ ارمنی بود و هیچ تأثیر قانونی نداشت، باز هم شورای عالی آذربایجان در واکنش به این اقدام، آن را صریحاً رد کرده و غیرقانونی شمرد. اما در ۱۵ ژوئن شورای عالی ارمنستان، با استناد به ماده ۷۰ قانون اساسی، قره باغ را جزئی از ارمنستان اعلام نمود. در ژانویه ۱۹۸۹ دولت مرکزی اتحاد شوروی در مسکو، تصمیم گرفت برای کاهش بحران، خود رأساً اداره امور قره باغ را به عهده بگیرد. این عمل که در حقیقت کنترل قره باغ را از دست آذربایجان خارج می ساخت، سبب شد که دولت آذربایجان به این قانون اعتراض بکند. اعتراض مکرر آذریها به تصمیم غیرمنصفانه مسکو، منجر به اعزام نیروهای وزارت کشور شوروی به باکو شد. در جریان سرکوب تظاهرات مردم مسلمان و شیعه باکو ژانویه ۱۹۹۰، صدها تن از اهالی باکو که ساختمانهای حزب کمونیست و ارامنه را محاصره کرده بودند به بهانه تهدید، حمله آنان، صدها نفر از مردم باکو را به قتل رساندند. ولی در واقع این اقدام روسها یک نوع حمایت از «برادران ارامنه خود» بود. و هدف آنان سرکوب تظاهرات به حق و به جای مردم آذربایجان بود. آنان (روسها) همه جا را گلوله باران کردند و صدها نفر زنان و کودکان بی گناه که در تظاهرات هم شرکت نمی کردند را کشتند. برخی از آنان حتی در وقت برگشت از محل کارشان، در پارکها و محل استراحتگاهها و حتی در خانههای خودشان بدون این که هیچ جرمی مرتکب شده باشند کشته شدند. بعد از این حوادث، مردم غیور آذربایجان به تظاهرات وسیعی برخاستند و در نتیجه آذربایجان که در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۰ حق حاکمیت ملی و در ۳۰ اوت ۱۹۹۱ استقلال خویش را اعلام نموده بود، در تاریخ هجدهم اکتبر ۱۹۹۱ طبق قانون مصوب شورای عالی به استقلال کامل دست یافت.^{۱۱}

پس از استقلال آذربایجان و ارمنستان منازعات این دو کشور بر سر خاک قانونی آذربایجان (قره باغ) به مرحله حادثی رسید و جنگ شروع شد. ارامنه از طرف روسیه و آمریکا و دیگر کشورهای اروپا عملاً تأیید می شد و این کشورها از جهت مالی و نظامی تمام هزینه این جنگ را به نفع ارمنستان به عهده گرفته بودند. در نتیجه آذربایجان که در این

جنگ ناعادلانه تنها مانده بود و چند بار با قتل عام ارامنه رو به رو شده بود، ۲۲ درصد خاک قانونی خود را از دست داد. ارامنه بدون هیچ قید و بند همه مردم این مناطق را از خاک خود بیرون راندند. جنایات ارامنه در این سرزمین شیعه‌نشین آذربایجان، آن قدر فراوان است که هیچ انسانی نمی‌تواند آن را باور کند.

ارامنه علاوه بر قره‌باغ (استانهای شوشا، خانکندی، خوجالی، عسکران، خوجاوند، آغدره)، ۴۴۰۰ کیلومتر استانهای لاجین، کلبجر، جبرائیل، فضولی، قوبادلی، زنگیلان، آغدام را هم اشغال کردند. هنوز هم یک میلیون نفر از مردم آذربایجان از سرزمین خود آواره‌اند. ولی اکنون با میانجی‌گری بسیاری از کشورها و مجامع بین‌المللی، بین این دو کشور آتش‌بس و صلح موقت برقرار است.^{۱۲}

واقعیت این است که قره‌باغ و فرهنگ و تمدن مادی و معنوی آن با تمامی عناصر تشکیل دهنده آن از وحدت فرهنگی برخوردار بود.

پتر وشفسکی روسی که درباره فرهنگ مادی، اقتصادی و معنوی اهالی قره‌باغ، باورها و اعتقاد آنان تحقیق کرده است با استناد به اطلاعات ارزشمند مردم‌شناسی، به این نتیجه می‌رسد که قره‌باغ هیچ‌گاه مرکز فرهنگ ارمنی نبوده است. تمدن و فرهنگ قره‌باغ واحد بوده و مخصوص اهالی آذری است.^{۱۳}

کشوری به نام ارمنستان در تاریخ جهان قدمت آن‌چنانی ندارد. ارمنیها از کشورهای مختلف به آذربایجان انتقال داده شده‌اند. این نیز سیاست منفور روسیه غاصب بود. ارمنیها در واقع در آذربایجان «مهمان» بوده‌اند، نه صاحب خانه. ولی با برخورد منصفانه و انسان‌دوستانه آذریها با آنان، ارمنیها خیلی راحت زندگی می‌کردند و با آذریها در جامعه هیچ فرقی نداشتند. ولی متأسفانه نمک شناسی کردند.^{۱۴}

وضعیت دین و مذهب در جمهوری آذربایجان

قبل از ورود به این بحث لازم است که نگاهی به دوران شوروی سابق داشته باشیم تا بتوانیم وضعیت دینی کنونی کشور را خوب درک کنیم.

در دوران شوروی سابق

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، از سال ۱۹۲۴ حکومت شوروی سیاست ضد مذهبی برای ریشه‌کن کردن مذاهب را در پیش گرفت. مسلمانان شوروی در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴، در شهر «تیزی نوگورد» اولین بار «تفاهق مسلمین روسیه» را تأسیس کردند. این گروه در ماه می سال ۱۹۱۷ نهصد نماینده در کنگر «سانک پتربورق» داشت و خواستار اصول فدرال مسلمین روسیه و یک کشور فدرالی مستقل بود. در همان کنگره «شورای ملی» تأسیس شد. در ماه ژوئیه سال ۱۹۱۷ «شورای نظامی مسلمین روسیه» و در نوامبر همان سال «مجلس ملی مسلمین روسیه» شکل گرفت.

مسلمانان نیروی بزرگی در شوروی بودند و استقلال و هویت دینی خود را مهم می‌دانستند. اگر به تاریخ شوروی نگاه کنیم، با گروه‌هایی چون «ارتش سرخ مسلمین»، «حزب کمونیست مسلمین»، «کمیسریای مسلمین» و... مواجه می‌شویم. رؤسای شوروی از این احساس هویت دینی مسلمانان، آن هم با این جنب و جوش می‌ترسیدند و این ترس هم بی‌جا نبود. در سال ۱۹۲۳ مسلمانان شوروی یک دولت مستقل به نام جمهوری «توران» - شامل مناطق ولگای وسطی و تاتارستان و باشقیریه و جمهوری ترکی - مسیحی چوواش و مناطق مسلمان نشین قفقاز، آذربایجان، داغستان - اعلام کردند که آذربایجانیها در آن نقش بسیار مهمی ایفا می‌کردند. آشکار است که پلشویک‌های شوروی نمی‌توانستند چنین امری را بپذیرند. آنان از سال ۱۹۲۳ به مبارزه با مسلمانان پرداختند و به طور کلی فعالیت‌های خود را علیه دین اسلام تشدید کردند. این کار هم با سه شیوه انجام می‌شد:

۱. ایجاد تفرقه بین گروه‌ها و ملیت‌های مسلمان. شوروی بعد از شکست آنان، به هر ملیت مسلمان، استقلال داد و حتی راضی شد به آنان سرود ملی، مجلس ملی و پرچم ملی مستقل هم بدهد، تا آنان به سبب تفرقه «ملی» و کنار گذاشتن وحدت اسلامی، زوال یابند.
۲. نابودی روشنفکران، علمای دینی و قتل عام آنها.
۳. جرم اعلام کردن دینداری و بسته شدن مسجدها.

با به کار گرفتن این روشها بود که سران شوروی به خواسته خود رسیدند.^{۱۵}

تحت قوانین این رژیم، روشنفکران به سوی افکار و برنامه های سکولاریستی هدایت شدند. سیاست‌های شوروی که با توسعه و گسترش تعلیمات همگانی، نابودی ادبیات قومی و تبدیل الفبا همراه بود، به مذهب نیز رسوخ کرد و تلاش وسیعی جهت تضعیف اسلام که مانعی در راه نوسازی سیاسی و فرهنگی قلمداد می‌شد صورت گرفت.

کمونیستها اقدامات ضد مذهبی خود را در مورد اسلام با بستن هزاران مسجد و مدرسه دینی آغاز کردند، سپس به تدریج دادگاه‌های شرع و سازمان اوقاف را منحل نمودند. آنان نخست حجاب اسلامی را نشانه عقب‌ماندگی و بعد ممنوع اعلام کردند. زمانی که مساعدترین شرایط برای مسلمانان جهان وجود داشت، انجام فرائض مذهبی چنان که در کشورهای اسلامی معمول بود، برای مسلمانان کشور آذربایجان آسان نبود با این همه عجیب است که مردم این کشور همچنان وفاداری مذهبی خویش را حفظ کرده‌اند.

برنامه‌ریزی شوروی علیه دین (ATEIZMA)، علاوه بر تهاجم فرهنگی بر پایه‌های «علمی» هم استوار بود. شبهه‌اندازی و فریب تبلیغاتی علمی عمده‌ترین اقدامات ضد دینی بود و این هم کلاً به دو نوع انجام می‌شد:

۱. استدلال‌های مارکسیستی علیه کل مذهب: مثلاً «اسلام افیون توده‌های رنجبر است و آنها را از مبارزه اجتماعی بر ضد انگلهای استثمارگر منحرف می‌سازد» یا «اسلام مسلکی است رویاپرداز و ضد علمی که رویای بهشت را به جهان دیگری حواله می‌دهد».^{۱۶}

۲. استدلال‌های الحادی که ویژه مبارزه با اسلام به خصوص شیعه است. در این استدلال اسلام در میان تمام ادیان از همه محافظه‌کارتر (حتی ارتجاعی‌تر) و غیر اجتماعی‌تر است، اقتدار بزرگ‌ترها را مقدس می‌شمارد، زنان را خوار می‌دارد و پیروانش را به تعصب و عدم تساهل و بیگانه‌ستیزی فرامی‌خواند. همچنین «مؤمنان» را بر ضد «کفار» برمی‌انگیزد و لذا مانع از توسعه دوستی میان خلقهای اتحاد شوروی است. این شیوه سنن و آداب اسلامی چون «ختنه» و «روزه در ایام رمضان» را به عنوان اعمالی بدوی و وحشیانه و غیربهداشتی مورد انتقاد قرار می‌دهد، اخلاقیات اسلام را با اخلاقیات کمونیسم در تعارض می‌بیند و هنر و ادبیات اسلامی را متحجر و ناتوان از پیشرفت و تکامل فرض می‌کند. خلاصه کلام آنکه براساس شبهه‌های آنان، اسلام به گذشته تعلق دارد، آن هم نه به «دوران سرمایه‌داری»، بلکه «عصر فئودال» و از این رو در یک جامعه «سوسیالیستی» جا و مکان ندارد.

در اتحاد شوروی تبلیغات ضد مذهبی «وظایف اخلاقی» تمام «شهروندان صادق شوروی» و مخصوصاً اعضای حزب کمونیست بود. سازمان جوانان حزب، اتحادیه‌های کارگری، تمام تشکیلات دولتی، از مهد کودک تا سطوح عالی دانشگاهی، همه و همه بر ضد مذهب فعالیتها و برنامه‌های بسیار داشتند.^{۱۷}

شرایط دینی جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان ۹۷٪ مسلمان دارد. ۸۳٪ شیعه، ۱۴٪ سنی و ۳٪ هم غیر مسلمان‌اند. همه شیعیان جمهوری آذربایجان دوازده‌امامی هستند. اهل سنت نیز اغلب حنفی و البته اندکی حنبلی‌اند.

دولت، امتیازات و محدودیتهای قانونی

۱. دین رسمی و ملی جمهوری آذربایجان اسلام است. اما بنابر قانون، دین از سیاست جداست.^{۱۸} روحانی نمی‌تواند فرماندار، نماینده روستایی و شهری (بلدیه)، و نماینده مجلس ملی باشد. وظیفه روحانی فقط، برآوردن نیازهای دینی و معنوی مردم است. دین اسلام ارزش ملی کشور آذربایجان و اعتقاد معنوی فردی و اجتماعی مردم به حساب می‌آید و روحانی حق «خالصت مذهبی» مستقیم در سیاست ندارد. دین آزاد است و هر تبعه آذربایجانی می‌تواند هر دینی را که می‌خواهد قبول کند و آیینهای مذهبی همان دین را به طور آزاد اجرا نماید. کسی حق ندارد کسی را به خاطر قبول کردن دین و مذهبی آزار دهد. پس هر کس می‌تواند با مطالعات و راههای دیگر دین دلخواه خود را انتخاب کند. ولی فقط دین اسلام حق تبلیغ در مجموع عمومی و اجتماعی کشور را دارد. همه مسلمانان می‌توانند آزادانه مسجد بسازند، کتاب تبلیغی نشر کنند و آیینهای دسته‌جمعی خود را به اجرا بگذارند و هر جا که خواستند تبلیغ دین اسلام را انجام دهند.^{۱۹}

۲. ادیان غیر اسلام حق تبلیغ در مجمع عمومی و اجتماعی ندارند. آنان فقط می‌توانند در جایی که برای آنان مشخص شده است برای پیروان خود تعلیم و تبلیغ کنند. تبلیغ ادیان دیگر در بین مسلمانان به طور غیرقانونی، جرم به حساب می‌آید. آنان فقط در چارچوب قوانین «کمیتة نظارت و بررسی موسسات ادیان و مذاهب کشور» و با رعایت محدودیت‌هایی که برای آنان در نظر گرفته شده است، حق فعالیت و تبلیغ دارند. از میان مذاهب اسلامی به جز «بوهائیت»، همه می‌توانند تبلیغ کنند. فعالیت این گروه از لحاظ قانونی ممنوع اعلام شده است.

۳. عید فطر و عید قربان از اعیاد دینی کشور و تعطیل رسمی است.

۴. بی‌احترامی به قرآن کریم بنابر قانون اساسی کشور جرم محسوب می‌شود. قرآن در میان مسلمانان احترام بسیار دارد. وقتی رئیس جمهور آذربایجان به این سمت منصوب می‌گردد، در مقابل تمام نمایندگان مجلس با حضور شیخ‌الاسلام قفقاز، به قرآن کریم سوگند می‌خورد و اعلام وفاداری می‌کند. وقتی قرآن به یک مجلس عمومی آورده می‌شود، همه به نشانه احترام از جای خود بلند می‌شوند.

۵. بنابر قانونی اساسی، دولت موظف است اسلام را به عنوان دین اکثریت مردم و ارزش معنوی - ملی و نیز حقوق دینی مردم را حفظ کند و برای رشد همه‌جانبه آن تلاش نماید.

تقابل فرهنگ و دین

فرهنگ و شرایط جمهوری آذربایجان، با بقیه کشورهای اسلامی فرق اساسی دارد. اولاً باید در نظر گرفت که کشور ما هفتاد سال زیر سلطه حکومت شوروی بود و در مقابل تهاجم فرهنگی روسها بدون دفاع مانده بود. همچنین کشور ما از لحاظ موقعیت منطقه‌ای در شرایطی قرار دارد که شصت درصد مرز آن با کشورهای مسیحی مشترک است. علاوه بر این، این کشور در منطقه‌ای قرار دارد که تقابل فرهنگها و تبادل فرهنگی کشورهای مختلف در آن وجود دارد. بعد از استقلال کشور و با بهبود رابطه ما با کشورهای غربی، همراه با تبادل تجربیات اقتصادی، «تجربیات فرهنگی» هم به سوی ما روی آورد.

اکنون فرهنگ لباس رایج در کشور و نیز مسائل فرعی دیگر، با اغلب قوانین شرعی اسلامی سازگار نیست و این نباید در اذهان مسلمانان جهان سوء تفاهم ایجاد کند. مردم ما آشنایی دینی و ذهنیت مذهبی موجود در ایران را دارا نیستند و نمی‌توان آنان را از این بابت سرزنش کرد. در ایران مذهب، با فرهنگ و زندگی فردی و اجتماعی مردم عجین شده است و سطح اطلاع مردم از قوانین و احکام دینی و مذهبی خود بسیار بالاست و اصلاً قابل مقایسه با کشور ما نیست. پس کسانی که اموری ضد مذهبی و دینی را در کشور ما مشاهده می‌کنند، نباید زود قضاوت کنند و مسلمانان آذربایجان را غیرمذهبی تلقی نمایند.

ادارات مربوط به دین و مذهب

۱. اداره روحانیون و شورای مذهبی اسلامی قفقاز QMRI

این اداره در دوران شوروی تأسیس شده است و ناظر بر روحانیون مسلمان آذربایجان، داغستان، چچن، گرجستان و ارمنستان است. در سال ۱۹۷۸ ریاست این مرکز را شیخ الاسلام علی آقا سلیمانوف بر عهده داشت. او در ۹۳ سالگی درگذشت. جانشین او شیخ الاسلام میرغضنفر ابراهیموف نیز با فاصله کمی وفات کرد. دو سال این پست بی‌صاحب ماند و در سال ۱۹۸۰ شیخ الاسلام کنونی، حاجی‌الله شکور پاشازاده در ۳۱ سالگی به این سمت منصوب شد. او شیعه دوازده‌امامی است و معاونش از اهل سنت است. وی شخصی محترم است و نقش او در مسائل دینی و اجتماعی کشور بسیار اهمیت دارد. نظارت بر مساجد کشور و تعیین روحانیون مساجد بر عهده این اداره است.

۲. سازمان نظارت‌کننده بر نهادهای دینی

سازمان نظارت دولتی بر نهادهای دینی، فعالیت خود را بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا شروع کرد. همه مؤسسات، نشریات و مدارس دینی در تحت نظارت این سازمان است. رئیس آن شخصی به نام رافق علی‌اف است. با روی کار آمدن او حدود بیست مدرسه دینی در کشور بسته شد. وی همچنین چند مرکز مسیحی غیرقانونی را که توهین علنی به اسلام کرده بود، بست.

ادیان در جمهوری آذربایجان

۱. دین اسلام

جمهوری آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی در سالیان قدیم بوده است و هنوز هم ارتباط قومی با تاریخ اسلامی و میراث درخشان معماری و هنر شیعی دارد. بیش از پنج هزار مکان با معماری اسلامی و مطابق با مذهب شیعه در این جمهوری وجود دارد.^{۲۰} سیصد مؤسسه و اجماع دینی نیز در کشور موجود است که فعالیت قانونی دارند و تحت نظارت DQIDK هستند.^{۲۱}

همچنین سیصد مسجد در کشور وجود دارد که فعالیت دینی و فرهنگی آنها با رعایت قوانین کشور بلامانع است، ولی بیست درصد از آنها اصلاً فعالیتی ندارند. دانشگاه اسلامی باکو و دانشگاه اسلامی سومقاییت، از جمله مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند. رشته «الهیات اسلامی» در دانشگاه دولتی باکو تدریس می‌گردد.

طهری

الف) شیعیان

قدمت حضور شیعیان در این سرزمین به دوران امام صادق(علیه السلام) برمی گردد. قاسم بن العلاء، یکی از نواب امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر اران جمهوری آذربایجان بود.^{۲۲} او مستقیماً با آن حضرت مکاتبه داشت و از مردم وجوهائی می گرفت و به دست حسین بن روح می داد. این سرزمین همیشه با عشق اهل بیت(علیهم السلام) زنده بوده است.

علمای شیعی آذربایجان

جمهوری آذربایجان که یکی از مناطق مهم شیعه نشین در جهان اسلام به شمار می آید، علما و مراجع بسیاری را به دنیای علمی اسلام بخشیده است. علمای آذربایجان در خارج کشور خود هم مشهورند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه، عربستان سعودی و... علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان بسیار، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته اند. آنان علاوه بر اینکه در کشور خود مدارسی را تأسیس نموده اند، در کشورهای خارجی هم حوزه های علمیه بنا کرده اند. مساجدی نیز در کشورهای مثل عراق و ایران، به واسطه و کمک این بزرگان ساخته شده است و اکنون نیز باقی است.

بین علمایی که صاحب اجتهاد و مقامات علمی بوده اند، افرادی هم با اشغالگران روس جنگیده و شهید شده اند.^{۲۳} برخی از آنها به دست بلشویکهای شوروی کشته شده اند. مقامات علما و فضایی آذربایجان در حوزه نجف نیز همیشه قابل تقدیر و قدردانی بوده و زهد و اخلاق و علم خدایی آنان ورد زبان بوده است.

تعداد علمای جمهوری آذربایجان را از ۵۰ تا ۱۲۰ نفر ذکر کرده اند ما عدمای از آنان را نام می بریم:

آیت الله العظمی محمدباقر سلیمانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالغنی بادکوبه ای، آیت الله العظمی شیخ محمدصادق بردیگانی، آیت الله العظمی شیخ فاضل لنکرانی، آیت الله العظمی شیخ محمدعلی نخجوانی، آیت الله العظمی شیخ محمد ایروانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالقاسم نجفی، آیت الله العظمی میرزا فضل علی مجتهد ایروانی، آیت الله العظمی شیخ عبدالقاسم اردوبادی، علامه آیت الله میرزا محمدعلی غروی اردوبادی، آیت الله العظمی شیخ عبدالحسین لنکرانی، آیت الله العظمی شیخ ابراهیم شیروانی، آیت الله شیخ صدرالدین بادکوبه ای، آیت الله شیخ ملا آقا عابدین رمضان دربندی، آیت الله شیخ عبدالعظیم بادکوبه ای، آیت الله شیخ احمد پایانی، آیت الله شیخ یوسف ایروانی، آیت الله شیخ عبدالکریم ایروانی، آیت الله میرزا ابراهیم بادکوبه ای، آیت الله شیخ مولا آقا لنکرانی، آیت الله مولا حسن ایروانی، آیت الله محمدحسن قره باغی، آیت الله میرزا حسن قره باغی، آیت الله میرزا محمد شریف شیروانی، آیت الله سیدعباس حسینی سلیمانی، آیت الله شیخ محسن نخجوانی، آیت الله حاج شیخ ابراهیم لنکرانی، آیت الله شیخ ابراهیم بادکوبه ای، آیت الله سید ابوالحسن حسینی شیروانی، آیت الله شیخ اسماعیل قره باغی نجفی، آیت الله سید محمد لنکرانی نجفی، آیت الله شیخ حنیفه بادکوبه ای، آیت الله امامقلی نخجوانی، آیت الله شیخ جعفر لنکرانی،

آیت‌الله شیخ‌احمد ایروانی، آیت‌الله شیخ‌صدرالدین لنکرانی، آیت‌الله سیدمرتضی نججوانی نجفی، آیت‌الله شیخ‌محمدعلی گنجوی، آیت‌الله شیخ‌اسحاق لنکرانی، آیت‌الله علی‌اصغر ایروانی، شیخ‌الاسلام علی‌آقا سلیمان‌زاده، شیخ‌عبدالصمد نججوانی، حیدرعلی شیروانی غروی، مولاحسن شیروانی، آیت‌الله شیخ‌محمدتقی ایروانی، آیت‌الله محمدشریف اردوبادی نجفی و...

شعرای جمهوری آذربایجان و مذهب شیعه

در سرزمین پربرکت جمهوری آذربایجان، شعرای مشهور و دارای عظمت علمی و مذهبی نیز بوده‌اند که اکنون هم مردم این کشور به اسم آنان مفتخرند. از نظر مذهبی هم می‌توان گفت نود درصد شعرای آذربایجان شیعه بوده‌اند. نشانه‌ها و ارزشهای مذهبی شیعه دوازده‌امامی با شعر و آثار نظمی این شعرا و نویسندگان آذری عجین شده است. آثار نظمی شعرای جمهوری آذربایجان تا قرن نوزدهم را، اصلاً نمی‌توان بدون تأثیر مذهب شیعه در آن، تصور کرد. در نیمه دوم قرن بیستم بود که به خاطر ترس و وحشت از رژیم کمونیست و تأثیر ایده‌های نوین ماتریالیستی در کشورمان، آثار و نشانه‌های مذهبی از شعر آذری ریشه‌کن شد.

این خفقان بدان حد بود که نویسندگان و شعرای جمهوری آذربایجان که در مدح مذهب خود چیزی نوشته بودند و یا سرپیچی از مدح رژیم کمونیست کرده بودند، با هزار بهانه محکوم به اعدام شدند^{۲۴} و یا برخی از آنها را به مناطق دور و سرد تبعید کردند که در آنجا از میان رفتند.^{۲۵}

البته اکنون هم که شعرای ما از آزادی محض برخوردارند، عده بسیار کمی راجع به ارزشهای مذهبی می‌نویسند علت آن تعویض جو تفکر ملی و مذهبی در دوران شوروی و جایگزین کردن آن با موضوعات دیگر، بی‌اهمیت جلوه دادن آن و افکار روشنفکرانه معاصر کنونی است. اکنون به بعضی از شعرا و نویسندگان که از قرن دوازدهم به بعد زندگی کرده‌اند و شیعه بوده‌اند و در نوشته‌های خویش در مدح مذهب خود سخن گفته‌اند اشاره می‌کنیم.

ابوالعلا گنجوی، فلکی شیروانی، ابراهیم‌افضل‌الدین خاقانی، محمد فضولی، مستعلی شیروانی، مسحتی گنجوی، ملاپناه واقف، عبدالرحمن آقاشاعر، عباس‌قلی آقاباکی خان‌اف قدسی، عبدالله بی‌جانی، کربلایی والچ، جعفرقلی خان‌نوا، قاسم بی‌ذاکر، کریم‌آقا فاتح، مهوشی شیروانی، عمادالدین نسیمی، شیخ‌ابراهیم قدسی گنجوی، آقاسماعیل ذبیح، ملاقدیر شیروانی‌ناچی، حاجی ملاتقی‌زاده بیخود، سیدعظیم شیروانی، محمد صفا، عبدالله عاصی، میرزا ابوالحسن شهید، کربلایی‌قلی یوسفی، حسن بی‌هادی، مشهدی عبدل، میرحمزه نگاری، خرشیدبانو ناتوان، فاطمه‌خانوم کمینه، میرزاعلی‌اصغر نورس، میرزاجعفر جعفر، میرزاصادق فانی، محمدسعید اردوبادی، فقیر اردوبادی، اسکندر آقا غایب بی‌اف، مصطفی‌آقا ناصر، حاج‌ابراهیم آقادل بازاف وحیدی، شاهنگار خانوم، میرزامحمدتقی قمری، پر غم،

اسماعیل بی‌ناکام، عاشیق پری، عاشیق علی‌اصغر، علی‌آقا واحد، حسین جاوید، ملامحمد حزنی، میرزا حاق‌وردی صفا، علیل قره‌باغی، محمدامین دلسوز و...

شیعیان جمهوری آذربایجان دارای امتیازات فرهنگی، اعتقادی و مذهبی‌اند. آنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را بسیار دوست دارند و به خصوص عاشق و دوستدار امام علی و امام حسین (علیهم‌السلام) هستند. شعار «الله، محمد یا علی» در اغلب ماشینها و خودروها وجود دارد. می‌توان گفت شیعیان این شعار را در شروع هر کاری، حتی در کارهای غیرشرعی به کار می‌برند.

گفتنی است که شیعیان آذربایجان با مزایای مذهب خود آشنایی لازم را ندارند، یعنی از اسلام و شیعه حقیقی، آن‌چنان که هست، مطلع نیستند و معلومات دینی آنان بسیار ضعیف و سطحی است. مثلاً آنان از «عصمت امامان» چیزی نمی‌دانند و یا چنان‌که باید بدانند، نمی‌دانند.^{۲۶} آنان توسل و شفاعت را باور دارند و بیشتر تشنه مطالب اخلاقی ائمه (علیهم‌السلام) هستند. عقد ازدواج آنان طبق قوانین شرعی شیعه انجام می‌گیرد. احکام کفن و دفن هم همین‌طور است. می‌توان گفت نود درصد آداب و رسوم ملی مردم از دین مبین اسلام و به خصوص مذهب شیعه نشأت گرفته و از آن متأثر شده است.

در بخش روان‌شناسی شیعیان آذربایجان باید بگوییم که مردم ما مردمی پاکدل، رقیق‌القلب، رحیم، مهربان، شاکر و دارای عادات و روش برخورد صمیمانه و بدون ریا و تعارف هستند. کمک به محرومان و نیازمندان، میل به مشکل‌گشایی و مشکل‌زدایی، از خصوصیات مردم ماست.

آنان مهمان‌پذیر و مهمان‌نوازند. آن‌قدر با عاطفه و احساساتی‌اند که می‌توان با اعمال نیک (حتی با اعمال کوچک) و صالح و خدایسند، دلشان را تسخیر کرد و بر آن حاکم شد. این مردم وفای به عهد و وعده خود را بسیار جدی می‌گیرند و از دروغ‌گویی بسیار بدشان می‌آید. مسلمانان آذربایجان به قرآن، مساجد، منبرها و سادات احترام فراوان می‌نهند. زیارتگاههایی نیز وجود دارد که اغلب پر از زائر است.

محرم و صفر

همه شیعیان آذربایجان به ماه محرم و صفر اعتقاد خاصی دارند. در اکثریت اماکن شیعه‌نشین چهل روز به موسیقی گوش نمی‌دهند و سعی می‌کنند کارهای غیرشرعی انجام ندهند. در هیچ جای مناطق شیعه‌نشین مراسم عروسی در ماه محرم و صفر برگزار نمی‌شود. آنان روز تاسوعا، عاشورا، سیزدهم و هفدهم محرم و دهم صفر را بدون استثناء عزیز می‌دارند و عزاداری پرشکوهی انجام می‌دهند. مساجد فعال می‌شود، احسانهای بسیار می‌شود و مجالس پر شکوه و بزرگی برپا می‌گردد. در همه مراکز فروش نوارهای موسیقی، به جای

نوای موسیقی، صدای نوحه‌سرایبی، مرثیه و روضه می‌آید. مردم در مساجد جمع می‌شوند و مساجدی که روحانیان آن فعال‌اند، دارای برنامه‌های متنوع عزاداری‌اند. در این ایام مردم به خصوص در استانهای جنوبی کشور (جلیل‌آباد، نفت‌چالا، ماساللی، لنکران، یاردیلمی، لریک و آستارا) بسیار فعال‌اند. همچنین شهر باکو، مخصوصاً روستاهای باکو، فعالیت بسیار خوبی دارند.

رمضان

در کشور ما اکثریت مردم مایل به روزه گرفتن هستند. در این ماه جوانان و نوجوانان بسیار شوق دارند که روزه بگیرند. برنامه‌های رضانی نیز در شبکه‌های کشور وجود دارد. شیعیانی که در استانها و شهرستانها زندگی می‌کنند، شب نوزدهم و بیست‌ویکم و بیست‌وسوم مراسم احیا برگزار می‌کنند، ولی در شبکه‌های تلویزیونی شب قدر را بیست‌وهفتم رمضان ذکر می‌کنند. در این ماه نیز شیعیان هیچ جشن عروسی را برگزار نمی‌کنند.

مشهورترین زیارتگاههای شیعی

۱. حرم مطهر خواهر امام رضا (علیه‌السلام) حکیمه خانوم (زیارتگاه بی‌بی‌هیبت): این زیارتگاه در روستای شیخ (شهر باکو - خانلار) قرار دارد. با استناد به بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷ و منابع تاریخی موجود، چهار نفر از اولاد و نسل امام رضا (علیه‌السلام) در آنجا دفن شده‌اند.^{۲۷} مسجد بزرگی بر روی آن بنا شده است که پنج کیلومتر از دریای خزر فاصله دارد. این مسجد مربوط به قرن سیزدهم است و در سال ۱۹۹۹ به دستور و حمایت حیدر علی‌اف دوباره ساخته شده است.
۲. حرم مطهر خواهر امام رضا (علیه‌السلام) سکینه خانوم (زیارتگاه ناردلان): این زیارتگاه بزرگ و زیبا در یک روستای مذهبی شیعه‌نشین (باکو) قرار دارد. بنا بر اقوال رایج، خواهر امام رضا (علیه‌السلام) و شوهرش با بچه‌های خود در آنجا دفن شده‌اند.^{۲۸}
۳. زیارتگاه پسر حضرت امام صادق (علیه‌السلام) به نام ابراهیم: این زیارتگاه در استان گنجه قرار دارد و مسجدی روی آن بنا شده است که بسیار قدیمی است.

مساجد معروف پایتخت (شیعی)

مسجد جمعه باکو، مسجد تازه پیر، گوی مسجد و مسجد حاج سلطانعلی، مساجد مهم پایتخت به شمار می‌آیند.

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

فعالیت شیعیان

فعالیت شیعیان در زمینه‌های تبلیغی مناسب به نظر نمی‌رسد. با اینکه هفتاد درصد مساجد در دست آنهاست، نمی‌توانند سی درصد فعالیت تبلیغی مساجد اهل سنت را هم انجام بدهند. اغلب مساجد شیعیان فقط برای نماز باز می‌شود.

کار اساسی که تا حالا انجام گرفته است، ترجمه سریال «امام علی (علیه‌السلام)» و «امام رضا (علیه‌السلام)» و پخش آن از شبکه SPECE در ایام محرم و رمضان است. نواری نیز درباره امام حسین (علیه‌السلام) و واقعه عاشورا در سه طرح مختلف به مردم ارائه شده است. پنج گروه سرود نیز برای جشنهای عروسی دینداران داریم که چهار گروه آن طلاب فارغ‌التحصیل‌اند. به تازگی سه مجله دینی شیعی هم چاپ می‌شود که عبارت‌اند از: *ینی حکمت*، *معنوی صافلیق* و *کلام*.

ب) اهل سنت

اهل سنت در اقلیت‌اند. اکثریت آنان حنفی، و تعدادی هم حنبلی هستند.

۱. حنفیان

رفتار آنان با شیعیان بسیار خوب است. تعداد کمی از آنان در جنوب و بخش عمده آنان در شمال زندگی می‌کنند. آنان مثل شیعیان مراسم خاص پرشکوهی ندارند. با این حال، اکنون آنان فعالیت بیشتری دارند و روز به روز زیادتر می‌شوند.

۲. وهابیون

این گروه در همه عرصه‌ها حضور دارند و بسیار هم تأثیرگذارند. آنان در میان معلمان دانشگاه، دانشجویان، ورزشکاران برجسته (مثلاً تیم ملی کشتی آزاد)، طبیبان، کارگران و بیکاران، کار تبلیغی می‌کنند. جوانان و افراد تحصیل کرده بیشتر و زودتر به آنان گرایش می‌یابند. آنان درباره تمام اعتقادات شیعه، از نماز، صوم تا دفن و... شبهه وارد می‌کنند و بر ضعف اعتقاد شیعیان فقط از قرآن دلیل می‌آورند. در ظاهر خوشرفتارند و از اسم وهابی چندان خوششان نمی‌آید، ولی همه اعتقادات و اعمال وهابی را انجام می‌دهند. چون مردم وهابیون را دوست ندارند، از این رو می‌گویند ما وهابی نیستیم، بلکه سنی هستیم. رئیس و امام آنان فردی آذری است که پنج سال در مدینه تحصیل کرده است. نام او «قامت سلیمان» است و پیروان بسیار هم در اطراف خود دارد. او امام مسجد ابوبکر (باکو) است و شاگردان بسیار دارد. وهابیان مدارس بسیاری دارند، ولی چون فعالیت آنان از طرف دولت ممنوع شده است، مخفی کار می‌کنند. با این حال، آنان اغلب اوقات آزاد و آشکار به اسم سنی حنبلی (نه وهابی) ولی با اعتقادات وهابی به تبلیغ می‌پردازند.

مساجد مشهور آنان در پایتخت (باکو) عبارت است از: مسجد ابوبکر؛ مسجد شهدا؛ مسجد اژدریگ؛ مسجدی در نزدیکی «مترو قره‌قارایف». بنابر نقل روزنامه OLAYLAR آنان می‌خواهند ۵۳۰ هزار دلار برای ساخت مساجد در اطراف باکو سرمایه‌گذاری کنند. آنان سایت اینترنتی نیز دارند. azerislam.com یکی از آنها و رهبر آن علی خوان موسایو است. سایت مذکور در سال ۲۰۰۴ جایزه بهترین سایت سال را از آن خود کرد. در دانشگاه دولتی باکو «گوشه الهیات» و کتابخانه باز کرده‌اند و گفته می‌شود در سه دانشگاه دیگر نیز این کار را کردند.^{۳۹}

۳. مسیحیت

مسیحیان آذربایجان اگرچه در اقلیت‌اند، هزینه و سرمایه‌گذاری آنان در امر تبلیغ بسیار زیاد است. آنان تا کنون توانسته‌اند بیش از ده هزار نفر مسلمان را مسیحی کنند. رهبر آنان یک آذری تحصیل کرده در خارج (آلمان)، کشیشی است به نام «مُشوق» است که اکنون هم فعال است. آنان کتابهای بسیار، نوارها و سی‌دی‌های مختلف منتشر کرده‌اند. آنان در بیمارستانها، زندانها، دبستانها، دبیرستانها، چادرهای قره‌باغیهایی که از خاکشان بیرون شده‌اند و به وسیله پول زیاد، کمک مالی و کتابهایی با چاپ عالی و پر از سخنان جذاب و عکسهای جالب و هزاران «هدیه» دیگر در فعالیت‌اند.

تا سال ۱۹۹۴ کتاب مقدس به ۲۹۲ زبان دنیا ترجمه شده است. اما آنان هنوز هم متأسفانه که سه درصد مردم جهان با کتاب مقدس به زبان خودشان آشنا نیستند.^{۴۰} همه کتابهای آنان در کشور به زبان آذری و تالیش و برخی نیز به زبان روسی است. آنان کتاب مقدس را یک بار برای بچه‌ها، به طور خلاصه‌وار و قصه‌وار با چاپ عالی، عکسهای رنگارنگ و تیراژ بالا، چاپ و به صورت رایگان پخش کرده‌اند. مسیحیان انجیل را چندین بار آن هم با تیراژ بالا، همچنین با الفبای عربی به زبان آذری، با الفبای کریلی به زبان آذری و نیز با الفبای لاتین به زبان آذری چاپ کرده و رایگان بین مردم پخش کرده‌اند.

تشکیلات مسیحی فعال در آذربایجان

فعالیت این‌گونه تشکیلات در سالهای ۱۹۹۹ - ۱۹۹۷ بسیار ضعیف شده بود و دولت آذربایجان همه فعالیت‌های آنان را لغو و یا حداقل محدود کرده بود. ولی در سال ۲۰۰۰ این تشکیلات به طور رسمی پذیرفته شد و اکنون فعالیت آنان رسمی و آزاد است، ولی باید برخی قوانین را هم مراعات کنند. برخی از این گروهها عبارت‌اند از:

۱. تشکیلات حمدکنندگان (شعبه تشکیلات بین‌المللی «کلام زندگی»)

۲. زندگی جدید

۳. نهمیا

۴. مبلغان زندگی جدید مسیحی
۵. ستاره‌ای در شرق
۶. تازه آباستول. این تشکیلات ۱۵۶۵ عضو دارد.
۷. لطف زندگی بخش عیسی. این گروه در باکو دانشگاهی رسمی و دولتی دارند.
۸. شهدای یه قوا
۹. والنکتون
۱۰. آلمان - سوئس - لوتران
۱۱. آدوینیستهای روز هفتم

۳. کرشنا

این گروه هم در اقلیت‌اند، اما برعکس مسیحیان در استانها فعال نیستند و فقط در باکو و اطراف آن فعال‌اند. اینان در «حمدعلی» و «قره‌قاریف» یک معبد تبلیغاتی فعال دارند که به صورت رسمی ولی با محدودیت قانونی فعالیت می‌کند. آنان دو گروه‌اند:

۱. جمعیت بین‌المللی شعور کرشنا
 ۲. تشکیلات صورت شامد یوقا
- این گروه تا به حال افراد بسیاری را به خودشان جذب کرده‌اند. آنان کتابهای منتشر شده بسیاری دارند و آنها را به طور رایگان پخش می‌کنند. با شیعیان مهربان‌اند و ادعا می‌کنند که با شیعه فرق چندانی ندارند، ولی اعتقادات خود را به مردم منتقل می‌کنند.

۴. نورچیهای ترکیه

مبلغین نورچیهای ترکیه، هر دو گروه آن (طرفداران فتح‌الله گوران و پیروان امام خطیب)، سخت مشغول تبلیغ در آذربایجان هستند. اولین مبلغان مذاهب غریبه که به آذربایجان آمدند، نورچیها هستند که در سال ۱۹۹۰ شروع به تبلیغ کردند. آنان مسجد می‌سازند، کالجها و مدارس را تأسیس کرده‌اند و با هزاران جلد کتاب که به صورت مجانی پخش می‌شود، تبلیغ می‌کنند. به گفته بعضی از منابع خبری غیررسمی، تعداد آنان در کشور شانزده هزار نفر است. شبکه STV هم که از ترکیه پخش می‌شود، در آذربایجان نورچیها را به طور غیرمستقیم تبلیغ می‌کند.

۵. بهائیت

بهائیت در جمهوری آذربایجان به عنوان اقلیت مذهبی شناخته شده است و تعدادشان بسیار کم است. ولی به خاطر حمایت بعضی از کشورهای غربی، آیین خود را به آسانی تبلیغ

می‌کنند و کتابهای منتشر شده را مجانی بین مردم پخش می‌کنند. باید در نظر گرفت که فعالیت آنان در چهار چوب قوانین مربوط است.

شبهات و غرضان آن (چند نمونه)

مبلغان مسیحی:

۱. حجاب نشانه عقب‌ماندگی است و مقتضای زمان قرن هفتم بود، نه اکنون.
۲. غرب به خاطر مسیحی بودن از همه جوانب رشد کرده است. ولی کشورهای اسلامی به خاطر اسلام عقب مانده‌اند.
۳. اسلام، دین ماتم است، شادی و آزادی ندارد، ولی مسیحیت این گونه نیست.
۴. پیامبر مسلمانان هوسباز و شهوت‌پرست بوده است و تعدد زنان او هم شاهد بر این است.
۵. قرآن کتابی است شامل کلمات کوتاه و افکار تکه تکه و به پایان رسیده. این کتاب کلام خدا نیست و سخن بشری است.

مبلغان وهابی:

۱. توسل و شفاعت باطل و شرک است.
۲. زیارت قبور ائمه اطهار (علیهم‌السلام) حرام و شرک است.
۳. سجده بر خاک و قسم به غیر خدا حرام است.
۴. سوگواری و عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) حرام است.
۵. مسئله امامت بدعت در دین اسلام و صرفاً امری تاریخی است، نه اعتقادی.

روشنفکران غیر مذهبی:

۱. تعدد زوجات و مسئله ازدواج موقت، ظلم به نظام معنوی خانواده و نشانه عقب‌ماندگی است.
 ۲. زنجیرزنی و کلاً عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) نشانه عقب‌ماندگی است.
 ۳. مسئله معاد یقینی نیست و امتناع امکان وقوعی دارد.
- همه این شبهات به واسطه کتب تبلیغی، نوارها و سی‌دی‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، متون درسی، برنامه‌های تلویزیونی و... ارائه می‌شود و به مردم تلقین می‌گردد.

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

پی نوشتها:

۱. انسکلوپدی آذربایجان، ج ۱، ص ۳۴.
۲. کشورهای مستقل مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۱۴۸ و ۱۵۰.
۳. جمهوری آذربایجان، ص ۳۱ - ۳۰: اقوام مسلمانان اتحاد شوروی، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.
۴. آذربایجان ما، رافیق اسلاماف، زمینه کریم اوا، ص ۱۶ - ۱۵.
۵. انسکلوپدی آذربایجان، ج ۱، ص ۳۳۹.
۶. کشورهای مستقل و مشترك المنافع و جمهوریهای بالتیک، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.
۷. تاریخ آذربایجان، ص ۱۲۰ - ۱۱.
۸. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال، آینده، ص ۱۲۱.
۹. همان.
۱۰. آذربایجان حقیقتلری، مالک جباراق، ص ۴۶.
۱۱. اقوام مسلمانان شوروی، شریف آکینی، ترجمه علی خزاعی فر، ص ۶۹ - ۶۸.
۱۲. آذربایجان و ارمنستان، محمود علی اف، ص ۲۱۵ - ۲۱۲.
۱۳. جمهوری آذربایجان، دکتر بهرام امیراحمدیان، ص ۳۵۲.
۱۴. تاریخ آذربایجان، محمود اسماعیل، ص ۲۹۶.
۱۵. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، ص ۱۵۹ - ۱۵۵.
۱۶. اساسهای مارکسیسم و لنینیسم، ص ۱۰۶.
۱۷. مسلمانان شوروی؛ گذشته، حال و آینده، ص ۸۶ - ۸۴.
۱۸. بنا به بند ۱ ماده ۱۸ قانون اساسی.
۱۹. بنا به بند ۲ ماده ۴۷ قانون اساسی. قانون اساسی جمهوری آذربایجان، ص ۲۸ - ۱۴.
۲۰. جمهوری آذربایجان، ص ۳۵.
۲۱. روزنامه قازت ۵۲۵.
۲۲. بخارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱۳، باب ۱۵: «ما ظاهر من معجزانه».
۲۳. فتاویٰ جهاد علمای آذربایجان شوروی در برابر روسها در کتابهای مشهور تاریخی ثبت شده است.
۲۴. بعضی از آنان هم معلوم نیست مزارشان کجاست و یا در قتل عامها در قبرستانهای بی نام و نشان به طور عمومی به خاک سپرده شده اند.
۲۵. در دوران شوروی آن چنان که در اوایل بحث اشاره شد، همه نویسندگان و شعرا یا مجبور به نوشتن آثار بر ضد دین و مذهب بوده اند و یا طرز تفکر کمونیستی آن را اقتضا می کرد.
۲۶. متأسفانه، خرافات بسیاری در اعتقاد شیعیان دیده می شود و آنان به تأثیر سحر و جادو هم بسیار باور دارند کسانی که ادعا می کنند: به آنان قوه آینه بینی و یا نویی نلته شده است - از طرف خدا، یا علی (علیه السلام) - بسیارند.
۲۷. انسکلوپدی جامع آذربایجان، ج ۲، ص ۲۲۰.
۲۸. روزنامه نبض، شماره ۱۴، ص ۲.
۲۹. روزنامه قازت ۵۲۵، سال ۲۰۰۵، شماره ۱۴، ص ۴.
۳۰. «الحیل» به زبان آذری، چاپ هجدهم، ص ۱.

منابع:

۱. انسکلوپدی جامع آذربایجان، ج ۲، باکو، چاپ اول، ۱۹۷۸.
۲. انسکلوپدی جامع آذربایجان (به زبان آذربایجان)، ج ۴، باکو، چاپ اول، ۱۹۸۰.
۳. مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده، الکساندر بنیگسن و مری براکس آپ، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۴. جمهوری آذربایجان، وزارت کشور، دفتر مطالعات سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۵. بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، دکتر بهرام امیراحمدیان، انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶. تاریخ آذربایجان، ضیا بنیاداف و یوسفاف، باکو، آذر نشر (به زبان آذری)، چاپ اول، ۱۹۹۴.
۷. کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوریهای بالتیک، تهیه و تدوین گیتاشناسی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۸. اقوام مسلمان اتحاد شوروی، شیرین آکینز، ترجمه علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۹. علمای آذربایجان (به زبان آذری)، فائق ولی اف، قم، انتشارات اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. تاریخ شیروان و دربند، ولادیمیر فدروویچ، ترجمه محسن خادم، تهران، دایره المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۱. صفحات اینترنتی روزنامه‌های «بیض» و «هازت ۵۲۵» به زبان آذری.
۱۲. بحار الانوار، ج ۵۱.
۱۳. ماورای قفقاز از دیرباز تا کنون، حسین کاظم‌زاده و اکبر تقوی، دفتر سیاسی تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۴. ادبیات آذری، فروغ‌الدین کچارلی، آذرنشر، چاپ اول، ۱۹۶۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴